

۴ شنبه ۲۵ برج دلو ۱۳۰۹

(۲۷) جمادی الثانی ۱۳۴۱ (۱۴) نور ۱۹۲۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: داور نایبده دارالشورای ملی

قیمت املاک

صفحه اول	طری	۳
صفحه دوم و سوم	"	۲
صفحه چهارم	"	۱

محل اداره: طهران خیابان علاء الدوله

مردان آزاد

این روزنامه بدون تقاضای کتبی برای کسی ارسال نمیشود

وجه اشتراک

سالانه	۱۰۰۰	فران
دواخله	۵۰	فران
خارجی	بلاوه اجرت پست	

قیمت تک شماره تا یک ماه ۴ شاهی است

باور اشتباهی بود

۲۴ دلو

فران بیست و نه - کان هرود که ظنی کامل اروپا بر عالم دیگر مسلم و قطعی است - آسیا نشسته - نصایب قضا و قدر - بل آنکه منتظر فرمان است - کافی است که متمرکزین و لاموسش نقطه امر باشند تا خود را تقدیر شهورت آن ها بکنند

آسیا نشسته - اسیر و مقید - (۲۷/۱) بدترین اشبه - آخرین روز شرافت نامه منگند - مضمون خطبوش نغمه می کنند - هر که از این سخن را بردارد خود زمین کرده اند - آسیا نشسته - ولی امیدوار است - چه امید؟ آرزوی عالمه - آرزوی شیبه چنین: امید وار است یک سیمزنی بیاید و نجاشی دهد - آرزوی سوزن گرفت - زاپون که اروپا هیچ منتظر نبود - زاپون که اروپا تصورش میدانست - زاپون که اروپا تصورش میدانست - زاپون که اروپا تصورش میدانست

که شروع به ساختن راه آهن شده - هر سال مقداری خط جدید کشیدند - بیست و چهار سال پس از نهضت زاپون صد و پنجاه و نه فرسخ راه آهن داشتند - نه سال بعد طول خطوط آهن به نهمصد و هفتاد و پنج فرسخ رسید - پنج سال گذشت هزار و دو صد و پنجاه و هفت فرسخ راه پیدا شد - میزان امروز تقریباً دو پیداست - همین قسم در سایر مسائل اقتصادی - حرف زدند - خطبه نتوانند اتمام کردند - دولت از طرفی خودش کارخانه آورد - از طرف دیگر مردم را تشویق کرد کارخانه بیاورند - هنوز چهار سال از نهضت نگذشته بود که دولت برای سر مشق دیگران کارخانه اینرشم زمینی راه انداخت - پنج سال بعد کارخانه پشم ریزی و پارچه بافی وارد کرد - چهار سال بعد دو کارخانه بزرگ نخ ریزی آورد بلافاصله براسیسه تسهیل کار ارباب صنایع - ده

مقدمات ضروری زاپون ترقی کرد - بلی = برخلاف عقل سلیم ما این مجزوه واقع شد - هوا خواهان عظمت و استقلال زاپون عقیده داشتند که استقلال را با حرف نمی شود محکم کرد - توپ و نظام باید داشت - ایرانی ها معتقد بودند که فقط توپ و نظام را نمی شود از اروپا تقلید کرد و گرفت - مدارس = ادارات - چرخهای سیاسی اروپا همه را باید به زاپون آورد - وطن پرست هاجیه زاپون همیشه عقیده داشتند که مدارس - ادارات و چرخهای سیاسی اروپا را فقط با راه آهن میشود وارد کرد و با تمویل ممکن است نگاه داشت - این بود که اول به تشیخ اوضاع مادی پرداختند - هنوز دو سال از نهضت نگذشته بود که شروع به ساختن راه آهن شده - هر سال مقداری خط جدید کشیدند - بیست و چهار سال پس از نهضت زاپون صد و پنجاه و نه فرسخ راه آهن داشتند - نه سال بعد طول خطوط آهن به نهمصد و هفتاد و پنج فرسخ رسید - پنج سال گذشت هزار و دو صد و پنجاه و هفت فرسخ راه پیدا شد - میزان امروز تقریباً دو پیداست - همین قسم در سایر مسائل اقتصادی - حرف زدند - خطبه نتوانند اتمام کردند - دولت از طرفی خودش کارخانه آورد - از طرف دیگر مردم را تشویق کرد کارخانه بیاورند - هنوز چهار سال از نهضت نگذشته بود که دولت برای سر مشق دیگران کارخانه اینرشم زمینی راه انداخت - پنج سال بعد کارخانه پشم ریزی و پارچه بافی وارد کرد - چهار سال بعد دو کارخانه بزرگ نخ ریزی آورد بلافاصله براسیسه تسهیل کار ارباب صنایع - ده

دستگاه نخ ریزی از انگلستان خرید و در داخله بنده بی فروخت گده ساله با اساط قیمت آن را به پز هازند - هرکس کارخانه گنجان ریزی داشت دولت هرسال مبلغی اعانه داد - کارخانه هاجیه کاغذ - ماشین - صابون و چینی سازی همه را اول دولت آورد و بکار انداخت - سرمایه افراد کم بود - سبک کارهای تجاری و صنعتی بزرگ را مردم هنوز نمی دانستند - دولت پیش افتاد شروع کرد و زاپون جدید را ساخت - برگردیم به دولت بیچاره خودمان - کابینه یازده بجلسی بنامند - علوم ریاضت این همه با روزگار فردا برای چیست؟ فردا چه پیش خواهد آورد که محظورات و مشکلات امروز را مرتفع کند؟ ما از ابتدا باقایی مستوفی تقسیم کردیم در تشکیل کابینه تجلیل باید کرد - حرف مؤثر نشد - هر روز اشکال تازه با خود آورد - هر چه محظور جدید بیرون داد - با این تجربه باز هم باید فکر کرد و دست به دست مالید - داور

سیاست و خارجه

در اطراف صلح امروز عثمانی میان دوقوه متضاد - متفقین و روسیه قرار گرفته - کدام یک او را بطرف خود خواهند برد؟ باید دید متاع روسیه در عثمانی چیست - چیرگی در نطق اخیر خود اظهار کرد - سیاست ماکلامه با هر سیاست ترازوی مقصد مامه با سابق فرق دارد - اما نتیجه بی - این اظهارات بیشتر راجع به عثمانی

عثمانی و مسئله بازارها است - برای متفقین و عثمانی و کله مشرق زمین اهمیت زیاد دارد - نشان میدهد سیاست مربوط به مصالح مملکتی است - خواه در دست امپراطور باشد خواه در دست بگنتر آنتزان - پیش از جنگ روسیه از طرف دولت داور با اروپا داشت - خارج فلاد که پسر اسود - امروز خلیج فلاد در دست ممالک متحده بالیک است - استونی - لتونی - ایتونی - هر وقت بتوانند آنرا بزودی روسیه مستول می کنند - در بحر آمود دگر روسیه بهمنان باسکی ندارد - با این از طریق دروازه نواکسکی حمله کنند ولی ممکن است امروز خطه واقع آخوه - برای این منی خواهد شکایت اروپایی سیاستمداری بنامزاهد در دست عثمانی باشد به کتی حق عبور کتی مکتبی از دارالاقبال و بندر داده نشود - زیرا فقط این وسیله می توانند حمله کنند - از راه دریا بهر چه نفعی دارند می کنند - متفقین این نظریه را رد می کنند - زیرا می دانند روسیه یک دولت پری است ساز چنگ در دریا جاز است - میخواهند این مزیت را برای خود نگاهدارند - این جهت توافق نظر بین متفقین و روسیه حاصل نمی شود - اگر عثمانی شرایط متفقین را بپذیرد روسیه با او پیم خواهد زد - طاعت پیشرفت نظریه امپراطور آنتزان هم همین است

دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات در جلسه یوم شنبه ۲۴ دلو ۱۳۰۹ مجلس یک ساعت و نیم بشروب در نعت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل شد

سابقه ما - برای آنکه از فکر خاتم های صاحب اندک استفاده کنیم موضوع ذیل را به سامنه می گذاریم - جواب باید بدهی مؤمن باشد که پیش از یک سالون روز نامه را نگردد - پس از آنکه جواب ها رسید و بمراجع دوج شد - اداره هیاتی را تعیین خواهد کرد که هر آن ها را با این طرفی و وقت کمال معالجه و سه جوابی را که از همه بهتر است انتخاب کنند - پیوسته هر یک از آن سه جواب جایزه تقدیم خواهد شد - جایزه اول - یک جبهه کوچک خانم - جایزه دوم - یک جلد خمسه نظامی - جایزه سوم - یک قالب عکس خانم - موضوع مسابقه - مرد باید چه صفتی داشته باشد تا بتوان گفت شوهر خوبی است؟

پروا در خصوص بودجه ممالک عثمانی شد از طرفه رئیس کمسیون بودجه اظهار کرد که این بودجه برای طرح بودجه در خصوص تمهیدات حکومت نظامی ساوه و هراز هم از طرفه هم از آنجا متذکران ارسال آمده و اظهار شد که هر چه است حکومته نظامی در آنجا تمیز کرده چون اظهارات طرح شده و قرائت کردیم قرائت چنین بود که هر چه بودجه منظمی است که سبب گسترش و رفیع مخرج آراه را بدارد و از این جهت لزومی ندارد تخمین عقیده داشتند که برای این است که کسی با ۵۰ پستدرای وکیل نشود آقای رئیس به آقای مکتومترام اظهار داشتند که این یاد داشت را شما نوشته اید ایشان جواب دادند که این آقای رئیس یاد داشت را به منشی داده و اظهار داشتند که قرائت شود آقای مکتومترام نوشته بودند که بده یز هم خاطر مبارک را متذکر بشود که در تقدیر و قاضی اجازات مراعات نمی شود و اگر این ترتیب مامومت باید شده از مجلسی خارج و در جراید اعلام خواهد داشت آقای رئیس فرمودند بیانی بدانیه که منشی حارا من انتخاب نکرده و مجلس انتخاب کرده است یک روز دیگر هم بطور تحکم اجازت خواسته بودند من چیزی نکنم حالا این طور نوشته اید و فرمایم هم طور دیگر معامه خواهید کرد شما باید این مسئله را بدانید که اگر شما امکانی یک مقاماتی دارید که بزور و جبر تمیولید اجازت بقیه آقای مکتومترام اظهار داشتند که غالب اقبان مسیونند که در مسئله اجازت بقیه امتدالی حالت با اکثریت سابق و اقلیت فعلی شده و میشود شد

چندین دهه دوده شده است که خاصیت
بند از من اجاره خواهد و صحبت نموده اند
من شیرت سکلام ندارم و در حرف با شما
در قوانین که علاقه‌مندان هستند مجرمه دفاع
گامه وقتی که اجازه بمن بفرستد تا بگویم که
بگوید آقا عرض کنم حالا آقا بفرمایند که
انکه ایتمات دیگری دارم من انگاه
منامی دارم انکه من به آرای است که
این داده شده انکه من بجهت ملیت است
چرا بی ملتی میفرمایند؟ و بجای اصلاح
به یلده اعتراض میفرمایند و من خیلی تاسف
از این مسئله و دیگر هم بیجان حاضر
نیست شوی

راحم و خانواری

نظر اینکه تا اکنون وزارت جنگ
منتهیا در ولایت و ایالات - خانواری را
وصول نموده و بفرماندگی می برداخت اخیرا قرار
داد وزارت مالیه و وزارت جنگ بر این
شده است که در وصول خانواری وزارت
جنگ مذاخه نمکونه در آخر هر برج از
وزارت مالیه دریافت نماید

تاکنون در پرداخت حقوق
آقای رئیس - میخواستید بیاید - میخواستید
بیاید - من از شما متذکرم - زیرا
شما پس از سه دوره وکالت هنوز وضعیت
و خانامه جیبی را نمی‌دانید
(یک عدد از وکالت خطاب به آقای ملک الشیرازی
- بر می‌آید - بر می‌آید) آقای ملک صحبت
نمودند آقای رئیس فرمودند که به آقای
ملک گفتند که این مسئله که مسائل هرماه
هزار بیاید که کفایت می‌کند که مسائل هرماه
میروید که گواهی می‌دهد که مسائل هرماه
بیشتر خودتان را در نظر بگیرید که اگر
انجام نگرفت در روز نامه ما اعلام کنید
چون این امر است که بجهت مطالب می‌باشد
و قضایای خود را پیگیری می‌نمایند و به
که حق را بکنند در این موقعی که تنگ شده
پس از این که رنج تکلیف کردیم بوزارت مالیه
بیاید و پس از آنکه از حضور شما که از
طرفی که در نظر ما به مذاکره می‌فرمایند
تکلیف می‌دهد و در روزنامه ما اعلام می‌نمایند

بهرج اطلاق که حاصل نموده اند
از طرف وزارت مالیه به ایران اولی و رئیس
مالیه زنجان اجازه انحصاری شش داده شده

بود اخیرا که به حساب متار الهه رسیدگی
می شود میسایخ تازهتره عن ار تومات
کری دارد

از طرف رئیس کل مالیه امر شد که
این وجه را بپردازد هر آینه خود پرداخت
رسمه مساعده بشود بقوه خیریه مسکونه
خواهد شد

احرار و اسیران

سبزرار - پس از ورود امیر ارتش
سنگران کسیون‌های از اربابان اهل تشکیل
کرده که در واقع کسیون مشهور قائم مقام
بلیده است مسئله امورات بلیده در تحت
نظر کسیون میگذرد اداره تنظیم ازوزری
که در تحت نظر کسیون در آمده تا بکلیه اداره
مرتب شده

اهالی چندین مرتبه بکسیون اظهار
داشته اند که بسبب طاعت توائل بصرفا
تکلیف شهر برسد و بکسوت اهلان مسکونه
اداره امنیه و نظایر بزد ترسیده است دشمن
نهایی که هرچه زود تر حقوق آن ها را
پردازند که رسته تقاضای آن صدور کمیته
نشد

تخصیصات مدعی السبوی

راحم به جیبی خان که در سه شب
قبل در خیابان سلیمان آباد غیر خودبه ودر
مریض خانه احدی تحت مراقبت می باشد
روز گذشته از طرف مدعی السبوی نماینده
بیشتر خودتان را در نظر بگیرید که اگر
انجام نگرفت در روز نامه ما اعلام کنید
چون این امر است که بجهت مطالب می‌باشد
و قضایای خود را پیگیری می‌نمایند و به
که حق را بکنند در این موقعی که تنگ شده
پس از این که رنج تکلیف کردیم بوزارت مالیه
بیاید و پس از آنکه از حضور شما که از
طرفی که در نظر ما به مذاکره می‌فرمایند
تکلیف می‌دهد و در روزنامه ما اعلام می‌نمایند

مراقب - استنظام نظام رئیس خط
زنجیر اداره اوقاف جلوه‌گیری از حمل جنس
بطرف همدان و سایر ولایات می نماید این
واسطه نرخ خانه در عراق ترقی نکرده درهبران
خرورار دوازده اومان بحال سابق باقی است

اطلاع عامت مسکونه

حزب جدید در امریکا
تا بحال مالک نموده آمریکا دارای
دو حزب سیاسی بزرگ بوده و تقریبا قیام
امورات آن مملکت را این دو حزب اداره
میگرداند حزب دموکرات و حزب جمهوری
در ایام جنگ یک حزبی در ایالات
شمال غربی تشکیل یافت که اعضای آن بیشتر
از دهقانان آمریکا بودند و اسکر که تا
اندازه در سیاست مملکت مؤثر بود ولی
عنوان مهمی پیدا نکرد

میدانید خارج نظامی آمریکا و انگلیس
و فرانسوی و ژاپن در سال گذشته (۱۹۲۷)
۹۰ یورو و ۹۰۰ یورو
چهار میلیارد و شصت میلیون
زایون یک میلیارد و نیم میلیون
قرانته یک میلیارد و شصت و بیست و سه
میلیون

یوروگرام حزب وکیلان عبارت است از
مطالبات با قریه آمریکا زیاد - موافقت با
معاوضت به دهانین بوسیله قرض دادن بانها
- بی طرفی و کوفه تیری در سیاست دنیا
سلب حاکمیت - طرفدار خلق صلح عمومی -
حفاظت از استقلال آمریکا - لزوم استقامت
عاجلا احزاب قدیمی یک طرفه و سوسیالیست
به حزب جدید نگاه میکنند و در همین حال
بواسطه نفوذ زبدهی که در این مدت مختصر
تعمیل کرده از موفقیت آنت هارلسانک
هستند -

فوائد استعمال دشمنیات
کردن را بیکبار در مزین و احمد نام که
در این بدست یستم ایستاده قیام می کردند هدف
تیر واقع کشته هجرت میباشند

اتیرا برای انکشف قند ذکر می‌کند
فابین فنیخ که اخیرا از مسافرت کوم (اورست)
سراحت کرده اظهار می‌دارد که گنبدین
سیکار کک فوق العاده به تنفس انسان در
ارتفاعات زیاد می‌نماید شخصی که بیست
و پنج هزار پا ارتفاع را طی کرده بود
مدعی سلامت دریکه هم چه ارتفاعی که انسان
بسیخ تنفس می‌کند دوه سیکار یک علاج
خوبی است

جریده فوق‌الذکر می‌نویسد که شخصی
که متذکر به بکاره‌ها و فر شمسازندگانی
می‌نماید صوما این حادث را از طریق معاشرت
و تقلید بدست آورده اند زاپور حلد یک
انت زبدهی از استعمال آن تغییر در صورتی
که در مسافرت به جبال مرتفعه استعمال مکنایات
حزبوی از وسایط شمرده می‌شود

میدانید خارج نظامی آمریکا و انگلیس
و فرانسوی و ژاپن در سال گذشته (۱۹۲۷)
۹۰ یورو و ۹۰۰ یورو
چهار میلیارد و شصت میلیون
زایون یک میلیارد و نیم میلیون
قرانته یک میلیارد و شصت و بیست و سه
میلیون

برای کسی که ایران را ندیده و فقط
از روی توضیحات شاعرانه اشخاصی که
راحم با بهارن تالیفی کرده اند این مملکت
داده بر حسب راپورت تکراتی رئیس اداره
راه مزبور این طور شرح می‌دهد:
بواسطه غنات خزانه‌داره و گنجان
سیکار خاموش اندوه در تصویرخانه - میزی
که در کتو آن میانی انگلیس و ایران استاد
مساعدت بوده آتش گرفته است - رئیس
اداره راه معادل اسکانس که خزانه‌دار اظهار
می‌نماید موطن و تقریبا هشت صد تومان
یوه از جیب خود به حمایت راه می‌دهد
که پس از ترقیب اسکندر چنانچه این مسئله
انتقادی بوده وزارتخانه ترقیب برای وسوسه‌ور
بدهد - اقبالی که در این موضوع بمل
آمده است -

از طرف وزارت خانه مراجه به نظایر
مرکز نوشته و تا سبک شده است که بوسیله
تأسیسات ترقیب اقدامات لازمه نمایند
وزارت خانه و وزارت مالیه مامورین در
محل برای تفتیش معین نموده اند -
محل برای اطلاع واری است - بقدری چهل
است که در این معرزه حینز تازه یاد بگیرد
نگرفته است

عقاید دیگران

مخبر تقاریر بیانین سایرین در بزرگ
مملکت ما چه مفاصلی دارند - ایران در
نظر اروپایی ما نیست - در خصوص آداب
و اخلاق و زندگی ما مردم نگاه دیگر
نمایند چه تصور می‌کنند
باین نظر است که ما خیال داریم
من پند قطعی از تکب اروپایی می‌بویم
پایران نرجه و ترقیب خرمسان را از عقاید
دیگران بشویم کنیم

لندن - ضمیر سیاسی جریده دلی
کریکلی را جمیع به فلسفاتی که مطبوعات فرانسه
از تپچه کنتراری لوزان انتشار داده بودند
و بلا تلبیه مانع کنتراری را موفقیت
کرده

دبلیاس انگلستان. لغویت سیاست فرانسه
دبلیاس بوده چنین اشارتی دارد که اقدام
پروانکار در اینک ترک ما وعده داده بود
که در صورت قطع مذاکرات با آن ها
صلح جداگانه نماید این علت غلبه مالده که
ترک ها میبندد در صورت صلح جداگانه
پیش از این می‌تواند از فرانسه چیزی
بدست آورد چونکه فرانسه در دوست خود
نسبت به ترک ها زیاد روی کرده و دیگر
چیزی نمانست این ها بدست بهین مناسبت
ترک ها بخیال بداند انداختن اسکانس
انسانه از ترقیب در خصوص کالی پولی و
موصول داده و از گرن قیام می‌نمایند که
رضایت به صلح جداگانه دهد ولی گرن از
اجابت این مسئله امتناع ورزیده زیرا اشارت
اجازه نمی‌داد که انگلستان متفقین خود را
تغریب دهد

پاریس - از سلاوی‌ها چنین راپورت
رژیمه است که چون ملکی که برای خروج
شاید متفقین از بند زنجیر معین شده بود
منتظن گردیده بود پندار این بوسیله معین
ممنوع شده است

هر چند متفقین تجاری می‌توانند با
تکلیف ملاحظا داخل لو خارج شوند
مذاکراتی - مذاکراتی که در این بین
اولیای امور سیاسی و تقنینی و قضایی جریان
یافته می‌بوید وضعیت را نشان می‌دهد
مصطفی کمال پاشا اداره ترقیب شده و تهر
آرام است

اخبار اخیر واصله از آقره رضایت
بخش است
اولیای امور قضایی ترک دیمتور داده اند
که از سعادت واقع خسرت آیل درخنده
قضایی نمانست نمایند

یوکارته خدمت پاشا پس از ملاقات
وزیر امور خارجه طرم اسلامبول گردید
شده است

قضایی ارد گرن بوسیله اعلایده حال

برای کسی که ایران را ندیده و فقط
از روی توضیحات شاعرانه اشخاصی که
راحم با بهارن تالیفی کرده اند این مملکت
داده بر حسب راپورت تکراتی رئیس اداره
راه مزبور این طور شرح می‌دهد:
بواسطه غنات خزانه‌داره و گنجان
سیکار خاموش اندوه در تصویرخانه - میزی
که در کتو آن میانی انگلیس و ایران استاد
مساعدت بوده آتش گرفته است - رئیس
اداره راه معادل اسکانس که خزانه‌دار اظهار
می‌نماید موطن و تقریبا هشت صد تومان
یوه از جیب خود به حمایت راه می‌دهد
که پس از ترقیب اسکندر چنانچه این مسئله
انتقادی بوده وزارتخانه ترقیب برای وسوسه‌ور
بدهد - اقبالی که در این موضوع بمل
آمده است -

از طرف وزارت خانه مراجه به نظایر
مرکز نوشته و تا سبک شده است که بوسیله
تأسیسات ترقیب اقدامات لازمه نمایند
وزارت خانه و وزارت مالیه مامورین در
محل برای تفتیش معین نموده اند -
محل برای اطلاع واری است - بقدری چهل
است که در این معرزه حینز تازه یاد بگیرد
نگرفته است

انخبار خارجی

در اطراف کنتراری لوزان
حرایت چنین اشارتی دارد که اقدام
پروانکار در اینک ترک ما وعده داده بود
که در صورت قطع مذاکرات با آن ها
صلح جداگانه نماید این علت غلبه مالده که
ترک ها میبندد در صورت صلح جداگانه
پیش از این می‌تواند از فرانسه چیزی
بدست آورد چونکه فرانسه در دوست خود
نسبت به ترک ها زیاد روی کرده و دیگر
چیزی نمانست این ها بدست بهین مناسبت
ترک ها بخیال بداند انداختن اسکانس
انسانه از ترقیب در خصوص کالی پولی و
موصول داده و از گرن قیام می‌نمایند که
رضایت به صلح جداگانه دهد ولی گرن از
اجابت این مسئله امتناع ورزیده زیرا اشارت
اجازه نمی‌داد که انگلستان متفقین خود را
تغریب دهد

پاریس - از سلاوی‌ها چنین راپورت
رژیمه است که چون ملکی که برای خروج
شاید متفقین از بند زنجیر معین شده بود
منتظن گردیده بود پندار این بوسیله معین
ممنوع شده است

هر چند متفقین تجاری می‌توانند با
تکلیف ملاحظا داخل لو خارج شوند
مذاکراتی - مذاکراتی که در این بین
اولیای امور سیاسی و تقنینی و قضایی جریان
یافته می‌بوید وضعیت را نشان می‌دهد
مصطفی کمال پاشا اداره ترقیب شده و تهر
آرام است

اخبار اخیر واصله از آقره رضایت
بخش است
اولیای امور قضایی ترک دیمتور داده اند
که از سعادت واقع خسرت آیل درخنده
قضایی نمانست نمایند

یوکارته خدمت پاشا پس از ملاقات
وزیر امور خارجه طرم اسلامبول گردید
شده است

قضایی ارد گرن بوسیله اعلایده حال

برای کسی که ایران را ندیده و فقط
از روی توضیحات شاعرانه اشخاصی که
راحم با بهارن تالیفی کرده اند این مملکت
داده بر حسب راپورت تکراتی رئیس اداره
راه مزبور این طور شرح می‌دهد:
بواسطه غنات خزانه‌داره و گنجان
سیکار خاموش اندوه در تصویرخانه - میزی
که در کتو آن میانی انگلیس و ایران استاد
مساعدت بوده آتش گرفته است - رئیس
اداره راه معادل اسکانس که خزانه‌دار اظهار
می‌نماید موطن و تقریبا هشت صد تومان
یوه از جیب خود به حمایت راه می‌دهد
که پس از ترقیب اسکندر چنانچه این مسئله
انتقادی بوده وزارتخانه ترقیب برای وسوسه‌ور
بدهد - اقبالی که در این موضوع بمل
آمده است -

از طرف وزارت خانه مراجه به نظایر
مرکز نوشته و تا سبک شده است که بوسیله
تأسیسات ترقیب اقدامات لازمه نمایند
وزارت خانه و وزارت مالیه مامورین در
محل برای تفتیش معین نموده اند -
محل برای اطلاع واری است - بقدری چهل
است که در این معرزه حینز تازه یاد بگیرد
نگرفته است

انخبار خارجی

در اطراف کنتراری لوزان
حرایت چنین اشارتی دارد که اقدام
پروانکار در اینک ترک ما وعده داده بود
که در صورت قطع مذاکرات با آن ها
صلح جداگانه نماید این علت غلبه مالده که
ترک ها میبندد در صورت صلح جداگانه
پیش از این می‌تواند از فرانسه چیزی
بدست آورد چونکه فرانسه در دوست خود
نسبت به ترک ها زیاد روی کرده و دیگر
چیزی نمانست این ها بدست بهین مناسبت
ترک ها بخیال بداند انداختن اسکانس
انسانه از ترقیب در خصوص کالی پولی و
موصول داده و از گرن قیام می‌نمایند که
رضایت به صلح جداگانه دهد ولی گرن از
اجابت این مسئله امتناع ورزیده زیرا اشارت
اجازه نمی‌داد که انگلستان متفقین خود را
تغریب دهد

پاریس - از سلاوی‌ها چنین راپورت
رژیمه است که چون ملکی که برای خروج
شاید متفقین از بند زنجیر معین شده بود
منتظن گردیده بود پندار این بوسیله معین
ممنوع شده است

هر چند متفقین تجاری می‌توانند با
تکلیف ملاحظا داخل لو خارج شوند
مذاکراتی - مذاکراتی که در این بین
اولیای امور سیاسی و تقنینی و قضایی جریان
یافته می‌بوید وضعیت را نشان می‌دهد
مصطفی کمال پاشا اداره ترقیب شده و تهر
آرام است

اخبار اخیر واصله از آقره رضایت
بخش است
اولیای امور قضایی ترک دیمتور داده اند
که از سعادت واقع خسرت آیل درخنده
قضایی نمانست نمایند

یوکارته خدمت پاشا پس از ملاقات
وزیر امور خارجه طرم اسلامبول گردید
شده است

قضایی ارد گرن بوسیله اعلایده حال

برای کسی که ایران را ندیده و فقط
از روی توضیحات شاعرانه اشخاصی که
راحم با بهارن تالیفی کرده اند این مملکت
داده بر حسب راپورت تکراتی رئیس اداره
راه مزبور این طور شرح می‌دهد:
بواسطه غنات خزانه‌داره و گنجان
سیکار خاموش اندوه در تصویرخانه - میزی
که در کتو آن میانی انگلیس و ایران استاد
مساعدت بوده آتش گرفته است - رئیس
اداره راه معادل اسکانس که خزانه‌دار اظهار
می‌نماید موطن و تقریبا هشت صد تومان
یوه از جیب خود به حمایت راه می‌دهد
که پس از ترقیب اسکندر چنانچه این مسئله
انتقادی بوده وزارتخانه ترقیب برای وسوسه‌ور
بدهد - اقبالی که در این موضوع بمل
آمده است -

از طرف وزارت خانه مراجه به نظایر
مرکز نوشته و تا سبک شده است که بوسیله
تأسیسات ترقیب اقدامات لازمه نمایند
وزارت خانه و وزارت مالیه مامورین در
محل برای تفتیش معین نموده اند -
محل برای اطلاع واری است - بقدری چهل
است که در این معرزه حینز تازه یاد بگیرد
نگرفته است

انخبار خارجی

در اطراف کنتراری لوزان
حرایت چنین اشارتی دارد که اقدام
پروانکار در اینک ترک ما وعده داده بود
که در صورت قطع مذاکرات با آن ها
صلح جداگانه نماید این علت غلبه مالده که
ترک ها میبندد در صورت صلح جداگانه
پیش از این می‌تواند از فرانسه چیزی
بدست آورد چونکه فرانسه در دوست خود
نسبت به ترک ها زیاد روی کرده و دیگر
چیزی نمانست این ها بدست بهین مناسبت
ترک ها بخیال بداند انداختن اسکانس
انسانه از ترقیب در خصوص کالی پولی و
موصول داده و از گرن قیام می‌نمایند که
رضایت به صلح جداگانه دهد ولی گرن از
اجابت این مسئله امتناع ورزیده زیرا اشارت
اجازه نمی‌داد که انگلستان متفقین خود را
تغریب دهد

پاریس - از سلاوی‌ها چنین راپورت
رژیمه است که چون ملکی که برای خروج
شاید متفقین از بند زنجیر معین شده بود
منتظن گردیده بود پندار این بوسیله معین
ممنوع شده است

هر چند متفقین تجاری می‌توانند با
تکلیف ملاحظا داخل لو خارج شوند
مذاکراتی - مذاکراتی که در این بین
اولیای امور سیاسی و تقنینی و قضایی جریان
یافته می‌بوید وضعیت را نشان می‌دهد
مصطفی کمال پاشا اداره ترقیب شده و تهر
آرام است

اخبار اخیر واصله از آقره رضایت
بخش است
اولیای امور قضایی ترک دیمتور داده اند
که از سعادت واقع خسرت آیل درخنده
قضایی نمانست نمایند

یوکارته خدمت پاشا پس از ملاقات
وزیر امور خارجه طرم اسلامبول گردید
شده است

قضایی ارد گرن بوسیله اعلایده حال

برای کسی که ایران را ندیده و فقط
از روی توضیحات شاعرانه اشخاصی که
راحم با بهارن تالیفی کرده اند این مملکت
داده بر حسب راپورت تکراتی رئیس اداره
راه مزبور این طور شرح می‌دهد:
بواسطه غنات خزانه‌داره و گنجان
سیکار خاموش اندوه در تصویرخانه - میزی
که در کتو آن میانی انگلیس و ایران استاد
مساعدت بوده آتش گرفته است - رئیس
اداره راه معادل اسکانس که خزانه‌دار اظهار
می‌نماید موطن و تقریبا هشت صد تومان
یوه از جیب خود به حمایت راه می‌دهد
که پس از ترقیب اسکندر چنانچه این مسئله
انتقادی بوده وزارتخانه ترقیب برای وسوسه‌ور
بدهد - اقبالی که در این موضوع بمل
آمده است -

از طرف وزارت خانه مراجه به نظایر
مرکز نوشته و تا سبک شده است که بوسیله
تأسیسات ترقیب اقدامات لازمه نمایند
وزارت خانه و وزارت مالیه مامورین در
محل برای تفتیش معین نموده اند -
محل برای اطلاع واری است - بقدری چهل
است که در این معرزه حینز تازه یاد بگیرد
نگرفته است

انخبار خارجی

در اطراف کنتراری لوزان
حرایت چنین اشارتی دارد که اقدام
پروانکار در اینک ترک ما وعده داده بود
که در صورت قطع مذاکرات با آن ها
صلح جداگانه نماید این علت غلبه مالده که
ترک ها میبندد در صورت صلح جداگانه
پیش از این می‌تواند از فرانسه چیزی
بدست آورد چونکه فرانسه در دوست خود
نسبت به ترک ها زیاد روی کرده و دیگر
چیزی نمانست این ها بدست بهین مناسبت
ترک ها بخیال بداند انداختن اسکانس
انسانه از ترقیب در خصوص کالی پولی و
موصول داده و از گرن قیام می‌نمایند که
رضایت به صلح جداگانه دهد ولی گرن از
اجابت این مسئله امتناع ورزیده زیرا اشارت
اجازه نمی‌داد که انگلستان متفقین خود را
تغریب دهد

پاریس - از سلاوی‌ها چنین راپورت
رژیمه است که چون ملکی که برای خروج
شاید متفقین از بند زنجیر معین شده بود
منتظن گردیده بود پندار این بوسیله معین
ممنوع شده است

هر چند متفقین تجاری می‌توانند با
تکلیف ملاحظا داخل لو خارج شوند
مذاکراتی - مذاکراتی که در این بین
اولیای امور سیاسی و تقنینی و قضایی جریان
یافته می‌بوید وضعیت را نشان می‌دهد
مصطفی کمال پاشا اداره ترقیب شده و تهر
آرام است

اخبار اخیر واصله از آقره رضایت
بخش است
اولیای امور قضایی ترک دیمتور داده اند
که از سعادت واقع خسرت آیل درخنده
قضایی نمانست نمایند

یوکارته خدمت پاشا پس از ملاقات
وزیر امور خارجه طرم اسلامبول گردید
شده است

قضایی ارد گرن بوسیله اعلایده حال

سوسنک بلور
(از عملیات آرسن لوین)
کوچکترین حرکت وکیل را صاف بود و نگاه
های او کتاب هائی را که می‌خواند کاغذ هائی
را که می‌نوشت مورد دقت قرار می‌دادند و
طرز زندگی او (دو برک) خیلی ساده بود
آنها کسی را بخانه نمی‌پذیرفت - زنهای پادشاهان
ناروا به جیب طلق و نفس‌ها را سه سله خنجرش
می‌رفتند و در آنجا می‌نشستند
تا لوین می‌گفت : البته زیر این کلاه هم کلاه
است
ولی (ویسکوار) با همز وایه جواب میداد :
اشتباه می‌کنی ، پیروده وقت سخن‌پزیر را از دست بده
و بگذار جان خود مان را از نظر محافظت کنی
مخضور آزان های پلین و رفت و آمد آن جا
در زیر پنجره خانه پشت نقوش (ویسکوار) شده
بود و گمان می‌کرد که او را می‌خواهند دست بگیرند

سکندره هرده که برای خرید بازار میرفت متعجب
می‌شد که هیچ حالت آوانها در گرفتاری او مساعده
نورزیده و مقصود خود را انجام نمی‌دهند
عاقبت یک روزی با بدلی لوزان و رفتی به بدلی
از بازار مراجعت کرد
چرا می‌روی از او پرسید : عزیزم ، ترا چه میشود ؟
این بیچاره (ویسکوار) نشسته با کمال زحمت
این چند کلاه را ادا کرد : یک لنگ ترا شناس
یک لنگ ترا شناسی خوب دکان میوه امروزی
نزدیک تن آمد
گفت : عجب این چنین می‌خواست ترا برباید ؟
شوراب داد : خیر ، یک باقی این داد
سکنت : پس برای من چه آرسی ؟ لابد در
مکتوب اظهار عتیق کرده است
گفت : خیر ، این گفتم : (این کاغذها
به ارباب خودمان بدهید) - کنگنه (به ارباب)
سکنت : (آری به آن آقای که در اطاق شما منزل

در دل می‌گفت : (از تنگ چه قایده می‌نوراست؟)
من بسیار به یک‌سسته شده‌ام که حل آن با فکر صورت
پذیر نیست ، پر واضح است که من تنها در سکار
(دوبرک) ملاحظه نمی‌کنم ، بلکه تپانه کو ویلیس
غیر لوین که شخص‌تک هستم ، شخصی زبانی هم وجود
دارد که بخوبی می‌تواند من را شکست حرکت مرا صاف
استد اینا بر این آقا از تنگ تپانه کرفت
خیر ، لابد خولید
اما خواب بچشمش قیامه و مدتی از تنگ ترا با
بیماری ببرد
(تحلیات و حرکات شما کتابی بی‌قايده و خطرات
هستند ، بی‌خود خود را زحمت ندهید)
(ویسکوار) از ترس ناله کرد و بی‌حوش شد
اما لوین ، مثل اینکه دشمنی شنیده باشد ، رنگی گلگون
گشت ، کان می‌کرد که در تپ زبردستی صرافت عملیات
عقبانه او است و اینکه خرابه است او را متعجب نموده
و به او پنهان که از عتیق ترین سرکاشین مطلع است
در حال لوین دیگر از این جهت حرفی نبرد
و برای فکر با اطاق خود رفت ، شبها هم خوابیده

زنده و آن زن را با چنگ و سنجایای نهمید منباید
گوا زن هم بالاخره از سکلات او گسل شد
چه روی سندی نشسته سر زبیر افتادست ، لوین دید
که اشک بر روی گونه هایش جاری است ،
تا گمان وکیل با یک سرکشت و خنجرانه زن را
گرفته بطرف خود کشید ، ولی زن او را بدست از خود
دور کرد ، کینه و ترس و روی می‌دارد ، آن وقت
هر دو مسالنه دو دشمن جایی لبه بیکدیگر نگرینند ،
هر دو ساک بودند ، (دوبرک) با حالت
سجیق نشست و از نو شروع صحبت کرد ، با دست
آهسته روی میز می‌زد ، کوپا شرابی را بطرف تحمل
می‌نمود
ولی زن ایذا حرکت نمی‌کرد و متعجبانه به
این زن ایستاده ، بی‌زنگ کرده و بگفت
(دوبرک) می‌توانی منی کرد که شاید
از قبایسه او خیالات فروتنی اش را در من بزند
تا که ملاحظه شد که زن سرخود را بر گردانیده و بازویش
آمسته حرکت می‌کند ،

خطا بودند و پنجره می‌نویسند باغ بازی شد
اطاق لوین بستره با بالا خانه اطاق تحریر وکل بود
لوین فوراً تردیالی از طلاب را به توره ایستوان بسته
سرازیر شد و چون مقابل پنجره اطاق تحریر رسید
توقف کرد
از آن جا که خدای آن هارا نمی‌شنید ، ولی
بخوبی آن ها را می‌توانست به بید
اول طلق شد که شخصی تازه وارد سرد بود
و زن اشک و بسیار هم زبیه و دلفریب می‌بند
لوین حواشیان لبه ، قدش بلند و حرکاتش دلنشیننده
در دل سکنت : این زن را کجا دیده‌ام ؟
حرکت و قیامه او بنظرم آفاست
این زن ایستاده ، بی‌زنگ کرده و بگفت
(دوبرک) گوش می‌داد ، وکیل هم در مقابل او
ایستاده حرف می‌زد ، اگرچه (دوبرک) پشت به
لوین ایستاده بود ، اما سورتش در آینه مقابل بخوبی
دید ، لوین دید که چگونه با تند حرف می

زنده و آن زن را با چنگ و سنجایای نهمید منباید
گوا زن هم بالاخره از سکلات او گسل شد
چه روی سندی نشسته سر زبیر افتادست ، لوین دید
که اشک بر روی گونه هایش جاری است ،
تا گمان وکیل با یک سرکشت و خنجرانه زن را
گرفته بطرف خود کشید ، ولی زن او را بدست از خود
دور کرد ، کینه و ترس و روی می‌دارد ، آن وقت
هر دو مسالنه دو دشمن جایی لبه بیکدیگر نگرینند ،
هر دو ساک بودند ، (دوبرک) با حالت
سجیق نشست و از نو شروع صحبت کرد ، با دست
آهسته روی میز می‌زد ، کوپا شرابی را بطرف تحمل
می‌نمود
ولی زن ایذا حرکت نمی‌کرد و متعجبانه به
این زن ایستاده ، بی‌زنگ کرده و بگفت
(دوبرک) می‌توانی منی کرد که شاید
از قبایسه او خیالات فروتنی اش را در من بزند
تا که ملاحظه شد که زن سرخود را بر گردانیده و بازویش
آمسته حرکت می‌کند ،

زنده و آن زن را با چنگ و سنجایای نهمید منباید
گوا زن هم بالاخره از سکلات او گسل شد
چه روی سندی نشسته سر زبیر افتادست ، لوین دید
که اشک بر روی گونه هایش جاری است ،
تا گمان وکیل با یک سرکشت و خنجرانه زن را
گرفته بطرف خود کشید ، ولی زن او را بدست از خود
دور کرد ، کینه و ترس و روی می‌دارد ، آن وقت
هر دو مسالنه دو دشمن جایی لبه بیکدیگر نگرینند ،
هر دو ساک بودند ، (دوبرک) با حالت
سجیق نشست و از نو شروع صحبت کرد ، با دست
آهسته روی میز می‌زد ، کوپا شرابی را بطرف تحمل
می‌نمود
ولی زن ایذا حرکت نمی‌کرد و متعجبانه به
این زن ایستاده ، بی‌زنگ کرده و بگفت
(دوبرک) می‌توانی منی کرد که شاید
از قبایسه او خیالات فروتنی اش را در من بزند
تا که ملاحظه شد که زن سرخود را بر گردانیده و بازویش
آمسته حرکت می‌کند ،

زنده و آن زن را با چنگ و سنجایای نهمید منباید
گوا زن هم بالاخره از سکلات او گسل شد
چه روی سندی نشسته سر زبیر افتادست ، لوین دید
که اشک بر روی گونه هایش جاری است ،
تا گمان وکیل با یک سرکشت و خنجرانه زن را
گرفته بطرف خود کشید ، ولی زن او را بدست از خود
دور کرد ، کینه و ترس و روی می‌دارد ، آن وقت
هر دو مسالنه دو دشمن جایی لبه بیکدیگر نگرینند ،
هر دو ساک بودند ، (دوبرک) با حالت
سجیق نشست و از نو شروع صحبت کرد ، با دست
آهسته روی میز می‌زد ، کوپا شرابی را بطرف تحمل
می‌نمود
ولی زن ایذا حرکت نمی‌کرد و متعجبانه به
این زن ایستاده ، بی‌زنگ کرده و بگفت
(دوبرک) می‌توانی منی کرد که شاید
از قبایسه او خیالات فروتنی اش را در من بزند
تا که ملاحظه شد که زن سرخود را بر گردانیده و بازویش
آمسته حرکت می‌کند ،

زنده و آن زن را با چنگ و سنجایای نهمید منباید
گوا زن هم بالاخره از سکلات او گسل شد
چه روی سندی نشسته سر زبیر افتادست ، لوین دید
که اشک بر روی گونه هایش جاری است ،
تا گمان وکیل با یک سرکشت و خنجرانه زن را
گرفته بطرف خود کشید ، ولی زن او را بدست از خود
دور کرد ، کینه و ترس و روی می‌دارد ، آن وقت
هر دو مسالنه دو دشمن جایی لبه بیکدیگر نگرینند ،
هر دو ساک بودند ، (دوبرک) با حالت
سجیق نشست و از نو شروع صحبت کرد ، با دست
آهسته روی میز می‌زد ، کوپا شرابی را بطرف تحمل
می‌نمود
ولی زن ایذا حرکت نمی‌کرد و متعجبانه به
این زن ایستاده ، بی‌زنگ کرده و بگفت
(دوبرک) می‌توانی منی کرد که شاید
از قبایسه او خیالات فروتنی اش را در من بزند
تا که ملاحظه شد که زن سرخود را بر گردانیده و بازویش
آمسته حرکت می‌کند ،

زنده و آن زن را با چنگ و سنجایای نهمید منباید
گوا زن هم بالاخره از سکلات او گسل شد
چه روی سندی نشسته سر زبیر افتادست ، لوین دید
که اشک بر روی گونه هایش جاری است ،
تا گمان وکیل با یک سرکشت و خنجرانه زن را
گرفته بطرف خود کشید ، ولی زن او را بدست از خود
دور کرد ، کینه و ترس و روی می‌دارد ، آن وقت
هر دو مسالنه دو دشمن جایی لبه بیکدیگر نگرینند ،
هر دو ساک بودند ، (دوبرک) با حالت
سجیق نشست و از نو شروع صحبت کرد ، با دست
آهسته روی میز می‌زد ، کوپا شرابی را بطرف تحمل
می‌نمود
ولی زن ایذا حرکت نمی‌کرد و متعجبانه به
این زن ایستاده ، بی‌زنگ کرده و بگفت
(دوبرک) می‌توانی منی کرد که شاید
از قبایسه او خیالات فروتنی اش را در من بزند
تا که ملاحظه شد که زن سرخود را بر گردانیده و بازویش
آمسته حرکت می‌کند ،